قاری پیش کسوت مشهدی درگذشت

«کاظم محمدزاده»، استاد پیش کسوت قرآنی کشور و مشهد مقدس و قاری بین‌المللی قرآن کریم، روز گذشته جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. بر پایه گزارشی که ایکنا منتشر کرده است، مرحوم محمدزاده متولد سال ۱۳۳۴ است و از نه سالگی در جلسات قرآن حضور یافته است. او کم‌کم به جلسات تخصصی‌تر راه پیدا کرد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در مسابقات گوناگون شرکت کرد، در این راه از تشویق و همکاری‌های مسئول دارالتحفیظ و مسئول حسینیه خیاط‌های مشهد بهره برد.

شادروان کاظم محمدزاده ۴ بار مقام اول مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف (سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۴) و نیز عنوان‌های اول مسابقات بین‌المللی لیبی سال ۱۳۵۸ و دوم مسابقات بین‌المللی مالزی سال ۱۳۶۴ و اول مسابقات بین‌المللی ایران سال ۱۳۶۵ را به دست آورد. اداره جلسه قرآن شب‌های چهارشنبه حسینیه خیاط‌های مشهد، عضویت در شورای قرآن آستان قدس رضوی، عضویت در شورای قرآن صداوسیمای خراسان رضوی از جمله فعالیت‌های او بود. همچنین، سفر به کشورهای لیبی، مالزی، ایتالیا، چین، ژاپن، آلمان، اتریش، آفریقای جنوبی و... در کارنامه مأموریت‌های قرآنی این استاد پیش کسوت قرآنی کشور قرار دارد.

کمدینی که از اردوگاه مرگ آمد

نگاهی به رمان «شبح سرگردان (رقص چنگیز کوهن)»

فرمند| فضای رمان «شبح سرگردان (رقص چنگیز کوهن)» اگرچه با فضای واقع‌گرایانه برخی کارهای مشهور رومن گاری فرق می‌کند، گیرایی قلم او را همچنان با خود دارد. نویسنده بزرگ فرانسوی که خون فرانسوی در رگ ندارد (او زاده سرزمینی اسلاوی‌زبان و از تباری سامی بود) این بار فضایی کمابیش فانتزی را به نگارش درآورده است که از اختلاف نژاد و ویژگی‌های انسانی -از رذیلت تا فضیلت- می‌گوید. رومن گاری در این رمان با زبانی شیرین از تلخی می‌نویسد. ماجرای اثر به همزیستی ۲ انسان می‌پردازد: یکی قربانی هولوکاست و دیگری دژخیمی که مسئول تیرباران کردن او بوده است. موسی کوهن که به قول خودش به سبب «شخصیت نسبتاوحشی و غریب»ش به چنگیز کوهن شناخته می‌شود، کمدینی است که در اردوگاه مرگ بار آشوویتس، زندانیِ یک فرمانده اس‌اس به نام «شاتس» بوده است، یک نازی و به قول چنگیز، «یهودی‌کش کبیر». شاتس حالا که سن‌وسالی از او گذشته، در جامه افسر پلیس زندگی می‌گذراند و این زندگی در کنار شبح سرگردان قربانی‌اش است. در این رمان بخش‌هایی از داستان کوتاه معروف «پرندگان می‌روند در پرو می‌میرند» -که رومن گاری فیلم آن را نیز ساخته- تکرار شده است و شخصیت‌ها دوباره حضور پیدا کرده‌اند. نویسنده یا قهرمان آن داستان کوتاه، این بار، چنان که در مقدمه رمان آمده است، «به واهی بودن آخرین امید زندگی‌اش آگاهی یافته است، اما به جای آنکه «قهوه‌خانه» را خالی بگذارد و همچون پرندگان به ساحل رسیده، تمام مأموریت‌ها و وظایف را انجام‌یافته بپندارد و تن به نیستی سپارد، با نیش قلمی توانا و به یاری ذهنی اگرچه تیره و بدبین، اما تیز و روشن‌نگر، به تصویر کردن و ثبت اندیشه‌هایش درباره جهان و ارزش‌های آن می‌پردازد. این هم مأموریتی است که می‌باید به انجامش برساند، مأموریتی که هیچ دست کمی از مأموریت‌های دوران جوانی‌اش ندارد. این هم گونه‌ای نبرد است: گیرم نه علیه فاشیسم و برای کسب آزادی یا جامه عمل پوشاندن به آرمان‌های انسانی یا سوسیالیستی که نبرد در راه افشاکردن ناراستی‌ها و دروغ‌ها و فریب‌های رایج دنیای امروز، گونه‌ای شهادت دادن است بر هر آنچه شاهد آن بوده و هست...» «شبح سرگردان (رقص چنگیز کوهن)» نخست در سال ۱۳۶۳ با برگردان فارسی ناصر زراعتی و ابراهیم مشعری به چاپ رسید. حالا که پس از ۳ دهه در دهه ۹۰ کتاب دوباره منتشر می‌شود، نام یکی از مترجمان از روی جلد حذف شده و تنها نام ابراهیم مشعری باقی مانده است. در هر صورت این کتاب را انتشارات نیلوفر در ۳۴۳ صفحه به چاپ رسانیده است.

چند پرونده و «چهارصد ضربه»

مجله‌خوان

هفتادوپنجمین شماره مجله «سینما و ادبیات» ویژه سینمای فرانسه منتشر شد. این شماره از مجله ویژه سینمای فرانسه و کارگردان موج نو آن، فرانسوا تروفو است. «چهارصد ضربه»، «ژول و ژیم»، «آخرین مترو» و... از آثار مهم او هستند که برای مخاطبان ایرانی آشنایند. در این ویژه‌نامه نسبت سینمای تروفو با موج نو و همچنین فعالیت او به عنوان یکی از مطرح‌ترین منتقدان «کایه دو سینما» بررسی شده است. «مه ۶۸ و سینما» یکی دیگر از پرونده‌های این شماره مجله است. رویدادهای ماه مه سال ۱۹۶۸ فرانسه، از تظاهرات دانشجویان دانشگاه پاریس و تصرف ساختمان مرکزی دانشگاه توسط آنان آغاز شد و در ادامه تبدیل به شورشی عمومی شد که سراسر فرانسه را در بر گرفت. مجله سینما و ادبیات در ورودی این بخش نوشته است: تلاش بر آن است که در این پرونده به جنبه‌های سینمایی و موارد کمتر شناخته شده این جنبش پرداخته شود. اما امروزه دیدگاه‌هایی وجود دارد که همواره ضعف سینمای ایران را به فیلم‌نامه منتسب می‌کند. این مجله در هفتادوپنجمین شماره خود، این موضوع را با عنوان «تعامل کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس در سینمای ایران» از منظر سعید مطلبی، مهدی فخیم‌زاده، هاتف علیمردانی و جواد طوسی بررسی کرده است. همچنین «ادبیات زنان؛ از دهه ۷۰ تا دهه ۹۰ در ایران» عنوان نشستی است که این مجله با حضور نسترن موسوی، مهسا محب‌علی، خلیل درمنکی و محسن ملکی برگزار کرده و به بررسی مباحثی پرداخته که در این سال‌ها با عنوان‌هایی چون ادبیات آشپزخانه‌ای، آپارتمانی و محافظه‌کار درباره آثار ادبی نویسندگان زن درگرفته است.

امیر نادری از کارگردانانی است که همه مشتاقیم از او بدانیم. کارهایش را بیشتر ما دیده‌ایم، اما ناگفته‌های بسیاری از نادری و سبک کارگردانی و سینمای او وجود دارد. گفت‌وگوی «کایه‌دوسینما» با امیر نادری در سال ۲۰۱۶ نیز در این شماره ترجمه و بازنشر شده است، آن را از دست ندهید. «ژانر دادگاهی» که یکی از محبوب‌ترین و دراماتیک‌ترین گونه‌های سینمایی است دستمایه یکی از پرونده‌های این شماره مجله قرار گرفته است. آیا سینمای ایران بعد از نزدیک به نیم‌قرن از پذیرش نسبی ساخت موسیقی متن اختصاصی برای یک فیلم، هویت مستقلی برای این تألیف قائل شده است؟

این موضوع را می‌توانید در مطلب «موسیقی فیلم در سینمای ایران» بخوانید. سینما و ادبیات مطالب دیگری هم در این شماره دارد، از جمله مطلب احمد اخوت در مورد «دل‌بستگی‌های آرشیوی» و ۲ نامه منتشرنشده؛ یکی از ابوالحسن نجفی به صالح حسینی و دیگری از غلامحسین ساعدی به بدری لنکرانی. شماره ۷۵ مجله سینما و ادبیات با قیمت ۱۷هزار تومان روی برخی از دکه‌های روزنامه و کتاب‌فروشی عرضه می‌شود.

انتشارات مولی به‌تازگی کتاب «نقشبندیه» نوشته «حامد الگار» را با ترجمه «داوود وفایی» راهی بازار نشر کرده است. این‌کتاب پژوهش‌های حامد الگار (محقق آمریکایی و شیعه) را درباره طریقت نقشبندیه و جایگاهش در جهان اسلام در بر می‌گیرد.

زیر سقف ادبیات

نگاهی به خانه‌های ادبیات در دیگر شهرها در آستانه تأسیس خانه ادبیات مشهد

طرح: Daria Kirpach

گزارش

غزاله حسین‌پورا جایگاه و تأثیر ادبیات خراسان و مشهد در ادبیات ملی امری پوشیده نیست و خاستگاه بخش شایان توجهی از اهالی ادب و فرهنگ ایران، خاک این خطه است. بااین‌همه وجود محفل و محلی که قابلیت گردآوری فعالان شعر و داستان و ترجمه و تقویت جایگاه یادشده و معرفی ظرفیت ادبیات مشهد و از این قبیل اقدامات را داشته باشد، ضروری می‌نماید، ضرورتی که در برخی شهرهای دیگر به آن رسیده و خانه‌های ادبیاتشان را تشکیل داده‌اند. جرقه راه‌اندازی خانه ادبیات مشهد نیز احتمالا در چنین بستری زده شده و جدی گرفته شده است. مدیریت شهری مشهد در این مسیر گام‌های نخستین را برداشته است و حال رسمیت یافتن این حرکت و تثبیت کانونی با این عنوان باقی مانده است. خانه ادبیات در برخی شهرهایی که فعالیت‌های شعر و داستان و نقد ادبی و از این دست در آن پررنگ است، مدتی است به راه افتاده است. در گزارش پیش رو معرفی‌ای از برخی از این مراکز را به دست داده‌ایم و کوشیده‌ایم آن را با خانه مربوط که در شهر خودمان خشتش گذاشته شده است، بسنجیم.

● بنای کاربر خانه فرخ گذاشته شد

مهرماه ۹۷ بود که رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر مشهد، از مصوبه‌ای با موضوع راه‌اندازی خانه ادبیات این شهر خبر داد. او معتقد بود مشهد شهری با سابقه در حوزه ادبیات و شعر است و در کنار مفاخری چون فردوسی، شاعران معاصری چون اخوان ثالث را نیز در خود جای داده است و همین موضوع باعث شده است تا شورای پنجم، نگاه ویژه‌ای به این حوزه داشته باشد.

در ادامه، در بهمن‌ماه سال گذشته، شورای اسلامی شهر مشهد در مصوبه‌ای شهرداری را موظف می‌سازد که بخش مسکونی خانه فرخ را خریداری کند و به این امر مهم اختصاص دهد. این مکان هویتی-تاریخی متعلق به مرحوم سید محمود فرخ خراسانی، شاعر و پژوهشگر ادبیات و بنیادگذار انجمن ادبی فرخ، بوده است و در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نشست‌های انجمن مشهور یادشده در آن برگزار می‌شده است.

همچنین خانه هنرمندان شهرداری -که پیگیری تشکیل خانه ادبیات مشهد به عهده‌اش گذاشته شده است- دوشنبه ۸ مهرماه ۱۳۹۸ نخستین نشست هم‌اندیشی را برای تحقق این منظور با حضور نویسندگان و شاعران در فرهنگ‌سرای بهشت برگزار می‌کند و طی آن نام ۱۰ تن از شرکت‌کنندگان به عنوان هیئت مؤسس به ثبت می‌رسد. طبق گفته صدرا یوسفی، مدیرعامل خانه هنرمندان، در نشست مدنظر، برای معطل نماندن آغاز به کار خانه ادبیات، فرهنگ‌سرای بهشت به عنوان محل استقرار آن برگزیده می‌شود تا زمان انجام فرایند تملک و بازسازی و بازپیرایی خانه فرخ فرا برسد.

در صورت تحقق کامل فرایند تملک درمورد خانه فرخ، اتفاقی مهم در تاریخ ادبیات مشهد رخ خواهد داد اما از آنجا که در بسیاری از مواقع بازدارنده‌هایی از قبیل مسائل حقوقی و قانونی و جز این‌ها مانع از وقوع اتفاق‌های فرهنگی می‌شود، در این مورد اخیر هم نمی‌توان چندان دلگرم بود. حسین لعل بذری، عضو هیئت مؤسس خانه ادبیات مشهد، نیز اگرچه یادآور می‌شود که بر پایه مصوبه ابلاغی شورای شهر، شهرداری موظف به تملک خانه فرخ شده و صحبت‌هایی نیز میان شهرداری و ورثه آن مرحوم دراین‌باره صورت گرفته است، الزامی وجود ندارد و این مکان صرفا از اولویت‌هاست.

● هرآنچه در دایره ادبیات می‌گنجد

اکنون خانه ادبیات مشهد، چنان‌که گفته شد، با برگزاری نشست هم‌اندیشی تأسیس آن در فرهنگ‌سرای بهشت به نوعی رسما از همین مکان اعلام موجودیت کرده است. هدف این مرکز همان‌طور که از نامش برمی‌آید، به تمامی برنامه‌ها و فعالیت‌هایی مرتبط است که ذیل ادبیات تعریف می‌شود؛ مسائل و مواردی در زمینه شعر، داستان، ترجمه و... به بیان دیگر، هر اتفاقی که بتواند به رشد و پویایی ادبیات مشهد کمک کند در همین مسیر تعریف می‌شود. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و همایش‌های ادبی و نشست‌های نقد و بررسی و رونمایی کتاب، دعوت از فرهیختگان حوزه ادبیات برای برنامه‌های مرتبط، نکوداشت پیش‌کسوتان ادبی، برپایی جشنواره و... مصداق‌هایی است که می‌توان دراین‌باره از آن یاد کرد.

● حدیث دیگران

اما خانه ادبیات مشهد، نخستین و تنها محل با این عنوان و کارکرد در سطح کشور نیست. شهرهای دیگری نیز برای ارج نهادن به ادبیات و اهالی آن و شناساندن ظرفیت ادبی خود و از این قبیل، به این تمرکزگرایی روی آورده‌اند.

سال گذشته، در چنین روزهایی مرتضی امیری اسفندقه، رئیس شورای سیاستگذاری خانه شعر و ادبیات تهران، طی گفت‌وگویی با خبرگزاری مهر اعلام کرد که این مرکز در اراضی سازمان نوسازی عباس‌آباد و در باغ هنر این مجموعه قرار گرفته و با همراهی شاعران و نویسندگان نام‌آور و صاحب متن کشور گشایش خواهد یافت.

به گفته او، در پی تشکیل شورای سیاستگذاری‌ای که برای خانه ادبیات تهران در نظر گرفته شد تا منشأ تصمیم‌های مهمی در زمینه ادبیات و شعر فارسی باشد، برنامه‌هایی آموزشی در زمینه شعر و ترانه و نقد ادبی و تدریس متون عالی ادبی و ترجمه و همایش‌های علمی و پژوهشی در این مرکز تدارک دیده شده است.

همچنین قرارگیری خانه موسیقی و خانه نمایش در کنار خانه شعر و ادبیات تهران، به نزدیکی بیشتر این شاخه‌های هنری کمک خواهد کرد.

اسفندقه در آن مصاحبه پرداختن به دانش و پژوهش در آثار ادبی از دیرباز تا امروز و تمرکز بر موضوع ادبیات انقلاب اسلامی به‌ویژه در دهه ۴۰ را از رویکردهای مرکز یادشده خوانده و تأکید کرده بود که امور با همراهی تمامی کانون‌های ادبی و مراکز هنری و خانه‌های شعر صورت خواهد گرفت.

● آنچه در پایتخت هست، خانه ادبیات نیست

اما عضو هیئت مؤسس خانه ادبیات مشهد معتقد است در پایتخت چیزی با عنوان خانه ادبیات نداریم. لعل‌بذری توضیح می‌دهد: نام خانه شعر و ادبیات چیزی است که به مجموعه‌ای زیر نظر ارشاد اطلاق شده است و رسما خانه ادبیات نداریم. در تهران مثلا صنف داستان‌نویسان وجود دارد که در آن داستان‌نویسان خود را از خانه شعر جدا کرده‌اند و به طور تخصصی به دغدغه مرتبط با خود می‌پردازند. انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران به صورت مستقل و بدون وابستگی به نهادها، با شرایطی که خود تعیین کردند، انتخابات برگزار کردند و در ادامه عده‌ای به عنوان هیئت مدیره برای مدتی مشخص منصوب شدند و در نهایت این انجمن از وزارت کار مجوز گرفت. این کار فرایندی طولانی است و عزمی جدی می‌طلبد. اما در مشهد شهرداری به موضوع ورود پیدا کرده و تأمین و یا حمایت در بخش مالی را متقبل شده است.

● خانه‌ای در حوزه هنری

یکی دیگر از مراکز ادبی در کشور که خانه ادبیات خوانده می‌شود، مرکز آفرینش‌های ادبی اصفهان است. این مرکز ظاهرا به عنوان نخستین واحد هنری در مجموعه حوزه هنری استان اصفهان از سال ۱۳۹۱ آغاز به فعالیت کرده است و شماری از شاعران و نویسندگان با آن همکاری می‌کنند. هم‌اکنون واحد ادبیات این مجموعه، که هدفش را آموزش و تربیت علاقه‌مندان، با برگزاری همایش‌های ادبی، شب‌های شعر، نشست‌های هفتگی و تألیف مجموعه‌های فاخر ادبی و کارشناسی آثار هنرمندان جوان اعلام کرده است، مسیر خود را ادامه می‌دهد. از برنامه‌های اصلی و شاخص برگزار شده خانه ادبیات اصفهان، شب شعر فصلی «به ساعت اصفهان» است که در ۴ فصل سال برپا می‌شود و به اعتقاد مسئولان مرکز نامبرده، دستاورد ادبی شاعران این استان در طول یک سال شمرده می‌شود. بر پایه آنچه از مقایسه این مرکز با خانه ادبیات مشهد برمی‌آید، می‌توان گفت تفاوت در حامی و متولی است که یکی را زیرمجموعه حوزه هنری قرار می‌دهد و دیگری را زیرمجموعه خانه هنرمندان شهرداری.

● اسکان در ارشاد

کرمان، از دیگر مراکز استان است که خانه ادبیات تشکیل داده است. مجوز فعالیت مؤسسه فرهنگی و هنری خانه ادبیات کرمان، از آذرماه سال ۱۳۹۷ ثبت شده است تا این مرکز با حضور جمعی از فعالان زبان و ادب فارسی و شاعران و نویسندگان و علاقه‌مندان به این حوزه، فعالیت خود را آغاز کند. برگزاری نشست‌های نقد وبررسی آثار ادبی استان کرمان، ایران و جهان، برپایی کارگاه‌های آموزشی به صورت مجازی، تدوین طرح کتاب ادبیات شفاهی مردم استان کرمان، برپایی جشنواره‌های ادبی کودک و نوجوان و بزرگ‌سال و... از برنامه‌های این خانه در سال گذشته است.

دست‌اندرکاران مؤسسه همچنین از اجرایی کردن طرح تدوین کتاب ادبیات شفاهی مردم استان کرمان (واژگان، ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها و...) با همراهی استادان دانشگاه و معلمان پژوهنده آموزش و پرورش خبر داده‌اند.

بررسی مسائل مربوط به این کانون نیز نشان می‌دهد که اگرچه به نام اشخاص حقیقی مجوز گرفته است، از حمایت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان برخوردار است و نشست‌هایش را در ارشاد برگزار می‌کند.

● ماهیت و هدفِ کمک به ادبیات شهر است

با توجه به اینکه جامعه در سال‌های اخیر از ادبیات فاصله گرفته است، خانه‌های ادبیات می‌توانند باعث آشتی هرچه بیشتر مردم با این حوزه شوند و حمایت از آن‌ها، حمایت از فرهنگ و ادب ملی و محلی است. احتمالا مدیریت شهری مشهد نیز چنین دیدگاهی را لحاظ کرده است که به راه‌اندازی خانه ادبیات مشهد همت گمارده است. این اقدام در زیرمجموعه خانه هنرمندان تعریف شده است که لعل‌بذری معتقد است کلیت آن با الهام از خانه هنرمندان تهران شکل گرفته است. او می‌گوید: خانه هنرمندان یک مفهوم کلی است که مجموعه‌ای از هنر و ادبیات را در نظر دارد و می‌تواند آن‌ها را پوشش دهد، ولی در چندسال گذشته فعالیت‌های خانه هنرمندان معطوف به هنرهای شهری مانند المان و مجسمه و... بوده است. ازاین‌رو اگر قرار باشد این خانه شکل بگیرد، باید بقیه رشته‌های تخصصی را نیز در برگیرد. به همین خاطر است که خانه‌های تخصصی زیرمجموعه خانه هنرمندان راه‌اندازی می‌شود. مجمع عمومی خانه سینما و خانه نمایش نیز نمونه‌های این امر است.

او در مقایسه خانه ادبیات مشهد با دیگر شهرها نیز بر این باور است که ماهیت کلی این مراکز یکی و آن کمک به ادبیات شهر است، اگرچه ممکن است در جزئیات برنامه‌ها و اولویت‌بندی‌ها تفاوت‌هایی وجود داشته باشد.

صدای متفاوتِ «صدای آهسته»

افشین هاشمی در نشست نقد و بررسی فیلمش در مشهد از ویژگی های آن می گوید

عکس: فرنوش فرشچی/شهرآرا

زندگی با سینما

شکیبا افخمی‌راد| «ازآنجایی که ممکن است بعضی‌ها با پیش‌زمینه‌ای از نمایش‌های مردمی و سریال‌هایی که من بازی کرده‌ام، برای تماشای فیلم من آمده باشند، می‌خواستم این پیش‌آگاهی را بدهم که این فیلم شبیه آن‌ها نیست. فیلمی که امشب می‌بینید، کمی فرم‌گراست با محتوایی متفاوت از آنچه ممکن است در سینمای روزمره ببینید. درواقع تمام فیلم‌هایی که در گروه هنروتجربه اکران می‌شوند، این خاصیت را دارند. این فیلم‌ها در جست‌وجوی راه بیانی تازه یا آزموده‌نشده برای روایت داستانشان هستند. «صدای آهسته» نیز یک فیلم تجربی است که امیدوار است بتواند با مخاطبش ارتباط برقرار کند.» این‌ها صحبت‌های افشین هاشمی، کارگردان فیلم «صدای آهسته»، پیش از نمایش فیلمش در پردیس سینمایی هویزه است. هاشمی که برای شرکت در جلسه نقد و بررسی فیلمش به مشهد آمده بود، سعی کرد پیش از اکران فیلم به مخاطبانش آگاهی دهد که قرار است با فیلمی متفاوت روبه‌رو شوند؛ فیلمی که سال ۹۳ ساخته شده اما به‌تازگی نوبت اکران آن در گروه هنروتجربه رسیده است. هاشمی برای فیلم جدیدش علاوه‌بر اینکه سراغ سوژه‌ای کمتر کارشده در سینمای ایران رفته، سعی کرده است از لحاظ فرم نیز فضای تازه‌ای را تجربه کند؛ ساختاری دور از ساختار متداول سینمای ایران. او در فیلمش برخوردی تازه با موضوع تغییر جنسیت دارد و به‌جای نشان دادن معضلات اجتماعی که برای ترنس‌ها اتفاق می‌افتد، سعی می‌کند درگیری‌ها و جنگ‌های درونی آن‌ها را روایت کند. این فیلم ساعت ۱۷ شنبه ۱۳مهر در سینماهویزه به نمایش درآمد و بعد از آن افشین هاشمی در سالن ۴ این سینما حاضر شد و درباره این تجربه متفاوت با حاضران به گفت‌وگو نشست.

● تجربه‌ای متفاوت

هاشمی در این نشست درمورد وجه تمایز این فیلم با دیگر آثارش گفت: من نگاهم به مقوله هنر، کمی خودخواهانه است؛ یعنی زیاد به اینکه بازار چه می‌خواهد یا به اینکه کدام فیلم در اکران عمومی موفق‌تر خواهد بود، کاری ندارم؛ البته نه به این معنا که موفقیت و پرمخاطب بودن فیلم‌هایم را دوست نداشته باشم، بلکه به این معنی که پیش از موفقیت فیلم به این موضوع فکر می‌کنم که خودم چه چیزی را دوست دارم. من همیشه این نکته را درنظر می‌گیرم که با کدام فیلم می‌توانم بهتر حرف بزنم.

او با اشاره به اینکه در ساخت تمامی فیلم‌هایش تجربه‌های متفاوتی را دنبال کرده است، درباره این تفاوت‌ها توضیح داد: من در زمان ساخت هرکدام از این فیلم‌ها دوست داشتم درباره همان موضوع مشخص صحبت کنم. از طرف دیگر، همه این فیلم‌ها با هماهنگی با شرایط و امکانات تولیدی زمان خودش ساخته شده است؛ مثلا در همین کشور اگر من می‌توانستم یک فیلم ۱۰۰میلیون دلاری تولید کنم، طرح دیگری را دنبال می‌کردم، بنابراین تمام این فیلم‌ها در عین آنکه دوستشان دارم، در هماهنگی با شرایط موجود برای تولید ساخته شده‌اند.

● فرصتی که در ایران ایجاد نمی‌شد

در ادامه این نشست، هاشمی درباره روند ساخت فیلم «صدای آهسته» توضیحاتی داد: «محمد رضایی‌راد نمایشنامه‌ای به همین سبک نوشته بود، من آن را خواندم و فکر کردم چقدر داستانش برای فیلم مناسب است و اینکه اگر بخواهم یک روز با امکانات محدود فیلمی بسازم، این داستان گزینه خیلی خوبی می‌تواند باشد.»

او با اشاره به اینکه در جریان یک سفر، فرصت ساخت این فیلم برایش مهیا شده است، دلیل فیلم‌برداری «صدای آهسته» در خارج از کشور را این‌گونه توضیح داد: «این فیلم می‌توانست در ایران تولید شود اما قطعا کاستی‌هایی پیدا می‌کرد. من برای نشان دادن اتفاقی که برای شخصیت اصلی رخ می‌دهد، نیاز به نمایش شمایل زنانه داشتم؛ یعنی نمی‌توانستم تنها با پوشاندن لباس این تغییرات را نشان دهم. نشان دادن این عصیان درونی که تبدیل به تغییر شمایل می‌شود، مخصوصا در آن پلان نزدیک به انتها که بازیگر کلاهش را برمی‌دارد و موهایش بیرون می‌ریزد، در سینمای ایران امکان نداشت؛ به همین علت این فیلم را در خارج از کشور ساختم.»

در قسمتی از فیلم، اشکان خطیبی به‌عنوان یک راننده تاکسی، با شخصیت اصلی داستان صحبت می‌کند اما مخاطب تنها صدایش را می‌شنود و تصویری از او نمی‌بیند. هاشمی با بیان اینکه دلیلی برای دیدن راننده تاکسی وجود نداشت، گفت: ما از خلال صحبت‌های راننده تاکسی می‌خواستیم تصویری از وضعیت فرد اصلی را که در ماشین است، پیش چشم بگذاریم. درنتیجه به نمایش هیچ‌کدام از آن‌ها در این پلان نیاز نداشتیم و فقط تصاویری را نشان دادیم که شخصیت اصلی از محیط اطراف می‌بیند و ثبت و ضبط می‌کند، بنابراین دلیلی ندارد اشکان را ببینیم و شنیدن صدایش کفایت می‌کند.

● از تئاتر فراری نیستم

بحث دیگری که در این نشست مطرح شد، شباهت ساختاری و روایتی فیلم با تئاتر بود. هاشمی در این‌باره نیز گفت: برای من سینمایی شدن یک اثر به معنای فراموشی تئاتر نیست. تئاتر یکی از امکانات بیان تصویری است و من از تئاتر فراری نیستم و مشکلی با اینکه فیلم از تئاتر کمک بگیرد، ندارم. درعین‌حال من از ادبیات گریزان نیستم: «سینما به معنای حذف ادبیات نیست، همچنان که در فیلم‌های علی حاتمی، ما مدام جملات ادیبانه می‌شنویم.»

به نظر این کارگردان اگر فردی بدون تجربه تئاتری «صدای آهسته» را ساخته بود، هرگز درباره تشابه فیلمش با تئاتر از او سوال نمی‌شد و حتی شاید استفاده از فضای تئاتر جزو ویژگی‌های مهم فیلم تلقی می‌شد، اما ازآنجایی که مخاطب او را با تئاتر می‌شناسد، استفاده از فضای تئاتر را ضعف فیلم تلقی می‌کند.

به نظر او، این فیلم قرار نیست مانند فیلم‌های خوش‌ریتم مخاطب گسترده داشته باشد، بلکه «صدای آهسته» اصلا قواعد معمول را دنبال نمی‌کند، پس اتفاقات متفاوتی می‌تواند در آن رخ بدهد.

کارگردان صدای آهسته به این موضوع نیز اشاره کرد که فیلمش برای مخاطب گسترده ساخته نشده است و مخاطب خاص‌تری را می‌طلبد که کمی خارج از لذت معمول سینما، حوصله فیلم دیدن داشته باشد: «کارگردان وقتی دارد اثری را می‌سازد، می‌داند که کدام مخاطب را هدف گرفته است. این فیلم نیز بهترین جا برای اکرانش گروه هنروتجربه در همین سالن‌های کوچک و با همین گروه تماشاگران است که اصلا به قصد دیدن فیلم‌های این‌چنینی به سینما آمده‌اند.»

● سوالی درباره تحولات درونی

هاشمی درباره محتوای فیلم توضیح داد: فیلم درباره معضلات قبل یا بعد و معضلات پزشکی و اجتماعی افراد ترنس نیست. سوال ما در فیلم، این است که وقتی شمایل این افراد تغییر می‌کند، خواب‌های آن‌ها و خاطراتشان چه می‌شود. آیا بعد از آنکه تغییر شمایل رخ می‌دهد، آن‌ها خاطراتشان را فراموش می‌کنند یا از آن‌ها به‌عنوان خاطره خوش یاد می‌کنند.

به‌گفته هاشمی، سوال فیلم درباره خاطرات، ذهنیات و جنگ درونی افراد ترنس است؛ البته این موضوع برای ما سوال است و برای خود این افراد، موضوعی نزدیک و ملموس.

او درباره فرم ساختاری فیلم نیز گفت: ما در ابتدا یک شتاب اولیه داریم. سپس سکون و بعد بازگشت به حرکت. در ابتدای فیلم چون شخصیت اصلی ما دچار یک آشوب درونی و در جست‌وجوی شمایل ساده و صدای تازه است، پلان‌ها با ضرباهنگ تندتر تدوین شده‌اند اما از لحظه‌ای که کاراکتر وارد انزوا می‌شود و ارتباطش با جهان بیرون مستقیم نیست، دوربین ایستا می شود. بعد از آن اولین‌بار که صورت کاراکتر اصلی دیده می‌شود، دوربین دوباره حرکت می‌کند و ریتم فیلم کمی تندتر می‌شود.

در پایان صحبت‌های هاشمی با تدارک مسئولان سینماهویزه برای او جشن تولد گرفته شد. افشین هاشمی متولد ۲۰مهر است و حالا چهل‌وچهارساله شده است.

● سابقه تاثیرگذار در حوزه تئاتر

بعد از پایان نشست، فرصتی پیش آمد تا با افشین هاشمی درباره فضای کاری موردعلاقه‌اش به گفت‌وگو بنشینیم. این هنرمند که کارنامه درخشانی در حوزه تئاتر دارد و معمولا نمایش‌هایش جزو تئاترهای پرمخاطب محسوب می‌شود، در چهار تجربه کارگردانی‌اش با آثار «خسته نباشید»، «گذر موقت»، «صدای آهسته» و «خاله قورباغه» نتوانسته است آن چنان که باید، بدرخشد و مخاطب را با فیلم‌هایش همراه کند. هرچند که هاشمی براین باور است به غیر از فیلم «صدای آهسته» باقی فیلم‌هایش فضایی مفرح داشته‌اند.

او درباره کم‌مخاطب بودن فیلم‌هایش نسبت‌به تئاترهایی که کارگردانی کرده است نیز گفت: اینکه تئاترهایم درمقایسه‌با فیلم‌های سینمایی‌ای که کارگردانی کرده‌ام در جذب مخاطب موفق‌تر بوده‌اند، به متفاوت بودن سابقه من در تئاتر و سینما برمی‌گردد. من ۲۵سال است که در حوزه تئاتر فعالیت می‌کنم اما از سال ۸۳ وارد بازیگری سینما شده‌ام و از سال ۹۱ نیز فیلم‌سازی را آغاز کرده‌ام. همین موضوع نیز بی‌شک اصلی‌ترین دلیل موفق‌تر بودن من در حوزه تئاتر است.

او درباره اینکه ترجیح می‌دهد کدام فضای کاری را بیشتر تجربه کند، توضیح داد: من هرجا هوا خوب باشد، همان‌جا زندگی می‌کنم و هرکدام از این فضاها بهتر بود، همان‌جا کار خواهم کرد.

هاشمی همچنین از اکران فیلم جدیدش، «خداحافظ دختر شیرازی»، از ۲۹آبان در سینماهای کشور خبر داد. این فیلم سال گذشته به دبیرخانه جشنواره فیلم فجر تحویل داده شده بود اما درنهایت از راهیابی به رقابت پایانی بازمانده بود. به‌نظر هاشمی زمان درنظر گرفته‌شده برای فیلم جدیدش، مناسب است و این فیلم می‌تواند مخاطبان خاص خودش را داشته‌باشد.

به‌گفته هاشمی، فیلم «خداحافظ دختر شیرازی» یک فیلم مفرح خانوادگی است و بی‌تردید همه خانواده‌ها از دیدن آن لذت می‌برند.

علاقه‌مندان مشهدی برای تماشای فیلم «صدای آهسته» می‌توانند برای تهیه بلیت در روزهای ۲۱، ۲۲ و ۳۰ مهرماه به سایت سینما تیکت مراجعه کنند.

درددل‌های درویش

کارگردان فیلم سینمایی «رستاخیز» از ناگفته‌های فیلم توقیف‌شده‌اش گفت

زندگی با سینما

احمدرضا درویش که میهمان برنامه تلویزیونی «آی‌فیلم پلاس» بود، ناگفته‌هایی درباره فیلم توقیف‌شده‌اش، «رستاخیز»، گفت و از مخاطبان خواست برای دیدن «رستاخیز» صبر کنند تا نسخه قانونی و شرعی آن را سازندگان فیلم منتشر کنند: «آنچه برای «رستاخیز» رخ داده است، سرقت فرهنگی است.» به نظر می‌رسید درویش بعد از توقیف و انتشار غیرقانونی فیلمش، انگیزه‌اش را از دست داده باشد اما ظاهرا چنین نشده و او در صحبت‌های خود در این برنامه تلویزیونی گفته است که این اتفاقات دلسردش نکرده است و فکر می‌کند توفیق داشته که توانسته است «رستاخیز» را بسازد. بنا به آنچه درویش گفته، انتشار غیرقانونی «رستاخیز» به اکران بین‌المللی‌اش ضربه زده است و همه تدارکی را که در این زمینه دیده بودند، خراب کرده است. او می‌خواهد در کتابی که در آینده درمورد ساخت «رستاخیز» می‌نویسد، به جزئیات اتفاقاتی که بر این فیلم گذشته است، دقیق‌تر اشاره کند.

او از ۱۵سالی که درگیر تولید رستاخیز و حواشی آن بوده، نیز سخن به میان آورده و پیش‌بینی کرده است که با این شیوه مدیریت فرهنگی، فیلم بعدی‌اش برای تولید، به ۳۰سال زمان نیاز داشته باشد که عمرش کفاف نخواهد داد.

در گزارشی که در تاریخ ۱۷شهریور امسال در شهرآرا منتشر شد، به‌تفصیل درباره «رستاخیز» و حواشی آن نوشته شده است که می‌توانید به آن مراجعه کنید.

عکس با طعم چای عراقی

یک نمایشگاه عکس با حال‌وهوای اربعین در مشهد برپا شده است

نگارستان

زوزنی| از در ورودی نگارخانه رضوان که عبور کنید، صدای فنجان‌های چای عراقی که یک مرد دشداشه‌پوش به‌هم می‌کوبدشان، توجهتان را جلب خواهد کرد. آن‌هایی که پیاده‌روی اربعین را تجربه کرده‌اند، از همان ابتدا دلشان هوایی می‌شود و آن‌هایی که این توفیق هنوز نصیبشان نشده است، مبهوت فضای متفاوت نمایشگاه «چهارده پنجاه‌ودو» می‌شوند. «چهارده پنجاه‌ودو»، یک نمایشگاه گروهی عکس از عکاسان مشهدی است که این شب و روزها در نگارخانه رضوان، هم‌قدم زائران پیاده اربعین حسینی شده است.

نام نمایشگاه برگرفته از تعداد ستون‌هایی است که زائران اربعین، عبور از آن‌ها را تجربه می‌کنند و با آن‌ها خاطره‌ای برای خود به ثبت رسانده‌اند. تجربه عکاسی در لابه‌لای این ستون‌ها را که از نجف تا کربلا قطار شده‌اند، داوود بهگام، وحید بیات، ایمان جنتی، مهدی جهانگیر، احمد حسنی، محمدحسن صلواتی، محمدجواد مشهدی و روحا... مهاجر با مخاطبان به اشتراک گذاشته‌اند. زوایای کمتردیده‌شده از پیاده‌روی عظیم اربعین که ربط زیادی به میهمان‌نوازی عراقی‌ها از زوار ندارد، محتوای اصلی عکس‌های «چهارده پنجاه‌ودو» را شکل داده است.

پیش‌تر هرچه از اربعین در رسانه‌های عمومی دیده بودیم، تصویری از موکب‌ها بود و عراقی‌هایی که در گوشه‌گوشه مسیر پیاده‌روی، خودشان را وقف پذیرایی از میهمانان جهانی‌شان کرده بودند، حال آنکه در این نمایشگاه زوایایی پنهان از مسیرهای پیاده‌روی، معابری که معمولا بیشتر عراقی‌ها به آن اشراف دارند، آب‌راه‌ها و سواره‌راه‌ها و همچنین راه‌های پنهانی که در دوران رژیم بعث، شیعیان مخفیانه از آنجا خودشان را به کربلا می‌رساندند، ازجمله مضامینی است که به‌چشم می‌خورد.

درکنار هریک از تصاویری که به دیوار نگارخانه رضوان آویخته شده، یک پانوشت قرار گرفته است که لایه‌های بیشتری از عکس را نشان می‌دهد؛ لایه‌هایی که تنها با صرف زمان در محیط به‌دست می‌آید و آن را عکاس با بیننده به اشتراک گذاشته است. همه این ظرافت‌ها در لفافه‌ای از واقع‌بینی قرار دارد و این شاید به آن دلیل است که اغلب عکاسانی که در «چهارده پنجاه‌ودو» عکس دارند، با نگاهی مستند به عکاسی از پیاده‌روی اربعین پرداخته‌اند.

چهارده پنجاه‌ودو تا پایان این هفته، صبح‌ها از ساعت ۹ تا ۱۲ و عصرها از ساعت ۱۷ تا ۲۰ در کوهسنگی ۱۷، پلاک ۱۶ با چای و قهوه عراقی، پذیرای مشتاقان اربعین حسینی است.

چله فیلم اکران فیلم زیر درختان زیتون
با حضور: منتقد و مدرس سینما استاد سعید قطبی زاده
دبیر نشست: دکتر سید محمد مداح حسینی
دوشنبه ۱۵ مهرماه
پردیس سینمایی اطلس
سالن هشت ساعت ۱۷

نماشهر

مهدیه غفوریان | شهرآرا

«چهارده پنجاه‌ودو» در رضوان